

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اولگ ایراپتوف (OLEG AIRAPETOV)

برگردان: ا. م. شیری

۰۵ دسمبر ۲۰۲۲

نخستین موفقیت سیاست خارجی دولت شوروی



به مناسبت صدمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

یکی از پیش‌نیازهای تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، اتحاد دیپلماتیک جمهوری‌های شوروی بود که در دوران جنگ داخلی شکل گرفت. اتحادهای نظامی و دولتی در جریان خود جنگ شکل گرفت. هیأت نمایندگی جمهوری فدراتیو روسیه شوروی در سال ۱۹۲۲ منافع همه جمهوری‌های اتحادیه را نمایندگی می‌کرد.

در ۶ جنوری ۱۹۲۲ در کنفرانسی در کن، نمایندگان کشورهای پیروز تصمیم گرفتند کنفرانس بعدی را در ۸ مارچ همان سال در جنوا تشکیل دهند و از روسیه برای شرکت در آن دعوت کنند. این کنفرانس قرار بود مسائل مالی، اقتصادی و تجاری را حل کند. قبل از همه، این‌ها مسائل مربوط به روابط با المان و روسیه بود. وضعیت داخلی المان ناپایدار باقی ماند. در سال ۱۹۲۲، قرار بود این کشور ۵۰۰ میلیون مارک غرامت به متفقین بپردازد و کالاهایی به ارزش ۱۴۵۰ میلیون مارک (شامل هزینه‌های اشغال) تحویل دهد. ۳۸ میلیون دیگر نیز هزینه‌های مربوط به معاهده صلح بود. تمام محاسبات با مارک طلا انجام شد. این مقدار در حالی که بودجه المان در سال ۱۹۲۲ روی کاغذ ۸۳ میلیارد مارک بود، به ۱۹۵.۵ میلیارد افزایش یافت. وزیر امور خارجه المان، والتر راتناو، در جنوری ۱۹۲۲ در شورای عالی آنتانت هشدار داد که جمهوری وایمار قادر نخواهد بود به طور همزمان هم غرامت در چنین حجمی را بپردازد و هم وضعیت مالی خود را تثبیت کند. حتی دو برابر کردن مالیات نیز نتیجه مطلوب به همراه نخواهد داشت. وضعیت تراز تجارت خارجی سودآور قبلی نیز بسیار دشوار بود. صادرات المان قبل از جنگ جهانی اول بالغ بر ۱۰

میلیارد مارک طلا بود، اما در سال ۱۹۲۲ به ۲.۵ میلیارد مارک طلا رسید. او گفت: «مشکل پرداخت غرامت کماکان در مرکز سیاست خارجی ما قرار دارد».

تاریخ برگزاری کنفرانس به تعویق افتاد، اما بقیه موارد بدون تغییر باقی ماند. راتناو تمام امید خود را به این واقعیت بسته بود که در کنفرانس آینده در جنوا، آلمان توسط نمایندگان ایالات متحده حمایت خواهد شد. «قدرت امریکا در نتیجه جنگ بیش از هر کشور دیگری افزایش یافته است». تأثیر قدرتمند اقتصاد و امور مالی امریکا بر اروپا بیش از پیش آشکار شد. ایالات متحده امریکا به صادرکننده زغال سنگ تبدیل شد و تا ۹۰ درصد از تولید نفت جهان را کنترل می‌کرد - نادیده گرفتن این واقعیت که از قضا قبلاً در کنفرانس واشنگتن مشخص شد، غیرممکن بود. امیدواری راتناو محقق نشد. ایالات متحده در کنفرانس شرکت نکرد و فقط به ایفای نقش ناظر بسنده کرد.

در ۱۱ مارچ ۱۹۲۲، فاتحان در پاریس توافقنامه‌ای در مورد تقسیم غرامت از آلمان منعقد کردند. فرانسه باید ۶۵ درصد از پرداخت‌ها را دریافت می‌کرد. کم مانده بود باور کنیم که کشور شکست خورده قادر به پرداخت است. دستگاه چاپ در آلمان کار می‌کرد، ارزش مارک دائماً در حال سقوط بود، متفقین امیدوار بودند که پرداخت غرامت را به نوع غیرنقدی، یعنی به کالا و مواد خام تبدیل کنند. بازسازی اقتصاد آلمان و اروپا تا حد زیادی با بازگشت روسیه شوروی به ساختار اقتصادی این قاره همراه بود. اما روابط اقتصادی انگلستان و فرانسه با روسیه بر اساس خواسته‌های بسیار مهمی که شامل احیای حق مالکیت خارجی‌ها بود، احیاء شد.

کمیساریای خلق در امور خارجه با جدیت برای کنفرانس آماده می‌شد. اعتماد به نفس کامل به نمایش گذاشته شد: «روسیه شوروی در مقابل اروپای سرمایه‌داری ایستاده است؛ وضعیت مالی آن بی‌نهایت دشوار است؛ در اثر جنگ‌های هفت ساله امپریالیستی و داخلی ویران شده است؛ مناطق وسیعی از کشور دچار قحطی شده است؛ میلیون‌ها هکتار اراضی خالی از سکنه باقی مانده است؛ هزاران کارخانه و مؤسسه تولیدی کار نمی‌کنند. اما روسیه شوروی دقیقاً می‌داند که چه می‌خواهد. روسیه شوروی می‌داند که بر ویرانی‌های جهان و روسیه تنها با کمک ابزارهای جدید، کارآمد و قدرتمند می‌توان غلبه کرد. و روسیه ایده بزرگی دارد، ایده سوسیالیسم که راه‌های درمان را در برابر خود و همچنین، در برابر تمام جهان باز می‌کند». رهبری آماده‌سازی هیأت را گئورگی چیچرین بر عهده گرفت. کار بسیار سنگینی بود. کمیسر فقط عصرها به خود اجازه می‌داد کمی استراحت کند و موسیقی آهنگسازان مورد علاقه خود را روی پیانو بنوازد.

هیأت شوروی به صورت ناشناس وارد پایتخت آلمان شد. اما دوستان، دشمنان و انبوه نگهبانان پولیس در آنجا منتظر هیأت بودند. در ۳ اپریل ۱۹۲۲، در مذاکرات شوروی و آلمان در برلین، موضوع چشمپوشی متقابل از مطالبات مالی دو کشور مورد بحث قرار گرفت. پیش‌نویس تفاهمنامه برای عقد قرارداد مربوطه تنظیم گردید. بولتن کمیساریای امور خارجی خلق با توجه به بازگشت آلمان و روسیه به سیاست بزرگ، پیش‌بینی‌هایی را در باره تشدید تناقضات بین انگلیس و فرانسه منتشر کرد. اما مذاکرات برلین به امضای هیچ سندی ختم نشد. یکی از شرکت‌کنندگان مذاکرات در هیأت شوروی خاطر نشان کرد: پس از آن کاملاً مشخص شد که آلمانی‌ها قبل از جنوا به امضای معاهده تن نخواهند داد و آن‌ها فقط به ظاهر سازی برای توافق روسیه و آلمان علاقه مند هستند». آیوف، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان مذاکرات، نتایج را به شرح زیر خلاصه کرد: «اما وزن مخصوص روسیه هنوز در آن لحظه ظاهراً به اندازه کافی برای روحیه اروپائی مشخص نشده بود تا آلمان بتواند چنین گام مهمی بردارد. به این سبب نیز تمام تلاش‌های ما برای دستیابی به توافق در برلین ناموفق بود».

راتناو، به عنوان تعیین‌کننده سیاست المان، برای غلبه بر میراث جنگ به جنوا رفت: «با این احساس ما به جنوا می‌رویم، از این نظر امیدواریم جنوا نقطه عطفی در مسیر صلح واقعی در روی زمین باشد». با این وجود، تماس‌های شوروی و المان نیز بی‌ثمر نبود. فرمول توافق آینده اعلام شد. کنفرانس جنوا کار خود را در ۱۰ اپریل ۱۹۲۲ آغاز کرد. شهر مملو از نیروهای نظامی بود، بسیاری از ساکنان شهر با آمدن به خیابان‌ها، از آغاز عصر جدید صلح استقبال کردند. ۲۹ کشور و با در نظر گرفتن مستعمرات انگلیس، ۳۴ کشور در کنفرانس نماینده داشتند. از آنجائی که فقط جمهوری فدراتیو روسیه شوروی برای شرکت در کنفرانس دعوت شده بود، در ۲۲ فبروری ۱۹۲۲، جمهوری‌های شوروی توافقنامه‌ای مبنی بر یک هیأت نمایندگی منعقد کردند. قرار بود هیأت جمهوری فدراتیو روسیه شوروی حافظ منافع آن‌ها در جنوا باشد. لوید جورج سال ۱۹۲۲ را در درجه اول به دلیل تشکیل این کنفرانس، سال بهبودی نامید.

همه چیز در حرف به عنوان غلبه بر میراث جنگ مطرح شد، همه چیز در عمل بر این تأکید کرد که جهان به دو گروه برنده و بازنده تقسیم شده است. حتی در مراسم افتتاحیه کنفرانس، میز جلویی برای نشست نمایندگان گروه برنده تعیین شد. بقیه «مدعوین» به ترتیب حروف الفبای مطابق با قوانین زبان ایتالیائی ردیف شدند. فرانسوی‌ها رد شدند، در غیر این صورت، المان در حالی که ممکن بود در بین بقیه گم شود، توانست در یکی از ردیف‌های اول قرار بگیرد و طبق این نظم، روسیه اصلاً نمی‌توانست ادعای برتری کند.

جلسه عمومی کنفرانس با سخنرانی نمایندگان قدرت‌های بزرگ آغاز شد. **لونیجی فاکتا**، نخست وزیر ایتالیا، خواستار همکاری اقتصادی به خاطر آینده اروپا شد. **لوید جورج** و **پوانکاره** نماینده ملت بزرگ ایتالیا را تجلیل نمودند و نامزدی وی را به عنوان رئیس کنفرانس پیشنهاد کردند. فاکتا در این جایگاه خواستار غلبه نهائی بر میراث جنگ بزرگ شد: «در اینجا تمام آثار نفرت و خصومت ناشی از جنگ از میان رفت؛ در اینجا دیگر دوست، دشمن، برنده و بازنده وجود ندارد؛ در اینجا فقط مردم و ملت‌هایی حضور دارند که مایلند تمام نیروهای خود را برای دستیابی مشترک، به یک هدف بسیار والا به کار گیرند». **لونی بارتو**، وزیر امور خارجه فرانسه تأیید کرد که حقوق به دست آمده توسط کشورش مانعی در برابر دستیابی به این هدف نخواهد شد. **ویسکونت کیکوچيرو ایشی**، نماینده جاپان، با متحدین اعلام همبستگی کرد.

صدر اعظم **کارل جوزف ویرث** با خرسندی فراوان از این اظهارات استقبال کرد: «یادآوری این نکته مایه دلگرمی است که برگزاری کنفرانس جنوا نشانه درک عمیق این واقعیت است که ویرانی اقتصادی و مالی در حال حاضر به یک نیاز مبرم برای کار مشترک و همکاری همه مردم در راستای جلوگیری از شرّ منجر شده است. اکنون، در این لحظه نیاز، شناخت عمومی این واقعیت به تصمیم‌گیری برای گردهمائی مردم منجر شد تا هم بیماری‌های خود و هم بیماری‌های همه بشریت را درمان کنند».

هیأت شوروی به سرپرستی **گنورگی چیچرین** نیز خواستار همکاری شد. کمیتر خلق در امور خارجه به زبان فرانسوی سخن گفت: «مشکل احیای اقتصاد جهانی در شرایط کنونی به قدری غیرقابل اندازه‌گیری و گسترده است که فقط به شرط اقدامات هماهنگ و صادقانه همه کشورهای اروپائی و غیر اروپائی قابل حل است و در صورت لزوم، همه آن‌ها باید آماده فداکاری‌های موقتی باشند. احیای اقتصاد روسیه به عنوان بزرگترین کشور اروپا و دارای ذخایر فوق‌العاده فراوان منابع طبیعی، شرط لازم برای بهبودی اقتصاد عمومی است. روسیه به سهم خود، آمادگی کامل خود را با استفاده از تمام ابزارهای موجود، برای کمک به حل مشکل پیش روی کنفرانس، ابزارهایی که خیلی کوچک هم نیستند، اعلام می‌کند».

این ابزارها به دقت مورد بررسی قرار گرفت، اما همکاری در غرب به شیوه خود درک می‌شد. پیشنهادات چیچرین برای تشکیل یک کنگره عمومی در راستای برقراری صلح بر اساس حق تصمیم هر خلق برای تعیین آزادانه سرنوشت خود، خلع سلاح، ممنوعیت روش‌های ددمنشانه جنگ و غیره، از همان ابتداء توسط پارتو به‌عنوان مسائل خارج از برنامه کنفرانس رد شد. موضع نمایندگان آنتانت که برای فراموش کردن گذشته آماده بودند، با تشخیص لزوم احیای اقتصادی روسیه، اما تنها به شرط امتناع مسکو از ملی و انحصاری کردن تجارت خارجی، پرداخت بدهی‌های دولت‌ها و افراد قبلی روسیه تقلیل یافت. این پیشنهادات رد شدند.

متفقین با اعزام یک نماینده ایتالیایی برای مذاکره با راتناو، سعی کردند هیأت المانی را به سمت خود جلب کنند. آنتانت علاقه مند بود که برلین به خواسته‌هایش بپیوندد. راتناو قاطعانه از انجام این درخواست خودداری کرد. او گفت: «آن‌ها یک ضیافت مجلل ترتیب دادند، ما به آن دعوت نشدیم، اما از ما پرسیدند که صورت غذا چگونه بود». اوضاع دشوار بود، کنفرانس دائماً در آستانه تزلزل بود. شرکت‌کنندگان اروپائی آن در این فکر بودند که چه کشوری در انقلاب مقصرتر است، روسیه، فرانسه یا انگلیس.

در حاشیه این کنفرانس شایعاتی مبنی بر توافق احتمالی بر سر آینده نفت باکو و گروزنی به گوش رسید. موقعیت هیأت شوروی که از امکان برقراری ارتباط اضطراری و مستقیم با مسکو نیز محروم بود، بسیار دشوار بود. ناامیدی از احتمال موفقیت‌آمیز بودن کنفرانس به سرعت مستولی شد. زمان اتخاذ تصمیم ناگزیر نزدیک می‌شد. ۱۳ اپریل، هیأت شوروی دعوتی برای بازدید از ویلای آلبرتیس، جایی که لوید جورج برای ملاقات با هیأت شوروی و پارتو در آن اقامت داشت، دریافت کرد. ۱۴ اپریل جلسه برگزار شد. اما بحث بسیار طولانی و بی‌نتیجه بود. تنها دستاورد جلسه این بود که برای دیدار مجدد در ۱۵ اپریل توافق شد.

صبح روز ۱۵ اپریل، کارشناسان کار خود را آغاز کردند و بعد از ظهر جلسه هیأت‌ها در ویلای لوید جورج از سر گرفته شد. دوباره معلوم شد که آن‌ها به رسمیت شناختن بی‌قید و شرط بدهی‌ها توسط دولت شوروی را پیش شرط مذاکره با متحدان می‌دانند. مذاکرات به نقطه‌ای رسید که ادامه آن بی‌معنی بود.

همان روز، چیچرین به کمیساری امور خارجه گزارش داد: «بحث بر سر تفاهمنامه لندن آغاز شد، اما به بررسی موضوعات اصلی اختلاف بین ما و قدرت‌ها تبدیل گردید. بار دیگر تفاوت فاحش بین دیدگاه طرف مقابل و ما مشخص شد». بدیهی است که چون چیچرین به بیهودگی تلاش برای برقراری مذاکره متقاعد شده بود، تصمیم گرفت به راتناو روی آورد.

رئیس هیأت المانی سخت انتظار می‌کشید. او از مشورت هیأت شوروی با نمایندگان متفقین اطلاع داشت و از انزوای المان در سیاست خارجی بیم داشت. ساعت دو بامداد مردی با نام خانوادگی که برای اروپائی‌ها تلفظش سخت است، به ویلای محل اقامت هیأت المانی آمد. او کمیسار امور خارجه بود. در نتیجه پیشنهاد او، «جلسه پیژامه» معروف هیأت المانی آغاز شد. در نتیجه، در ۱۶ اپریل ۱۹۲۲، توافقنامه اتحاد جماهیر شوروی و المان در مورد به رسمیت شناختن متقابل بر اساس چشمپوشی از ادعاهای امضاء شد (جبران خسارات نظامی، هزینه‌های اسیران جنگی و غیره - ص. ۱)؛ المان از ادعای غرامت به ازای افراد و دولت به دلیل اعمال قوانین شوروی چشمپوشی کرد (ص. ۲)؛ روابط دیپلماتیک و کنسولی بلافاصله برقرار شد (ص. ۳)؛ برقراری سبک زندگی مطلوب برای شهروندان هر دو کشور تأیید شد (ص. ۴)؛ هر دو دولت بر روی نگرش خیرخواهانه نسبت به نیازهای اقتصادی کشورهای خود توافق کردند (ص. ۵)؛ جبهه متحد دیپلماتیک اروپا شکسته شد.

۱۷ اپریل، ہیأت المانی انعقاد توافقنامہ با جمهوری فدراتیو روسیہ شوروی را اعلام کرد۔ در این سند گفته شده است، کہ هر دو دولت بر روی واقعیت زمینی ایستادند و همه موانع گذشتہ را از میان برداشتند۔ این، تنها وسیلہای است برای دستیابی به همه پیشرفت‌هایی کہ می‌توان از همکاری آن‌ها در آینده انتظار داشت»۔ این خبر مثل بمب ترکید۔

نقل از پورتال [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۳ آذر - قوس ۱۴۰۱